

پایگاه‌های یک منطقه فوتبال ۱۵ → *امیر صدیقی*



بزرگ‌ها کوچک‌ها را خوردند

تیم‌های بزرگ حریفان خود را شکست می‌دهند و پیش می‌روند. اگر چه ایتالیا و فرانسه در دور اول جا ماندند و به خانه برگشتند اما بقیه تیم‌های بزرگ مقابل کوچک‌ترها و شگفتی‌سازها کم نیاوردند تا مشخص شود این جام هم سهم بزرگ‌ترهاست. (یعنی فکر می‌کنید برنده بازی غنا- اروگوئه می‌تواند از پس آرژانتین یا آلمان، برزیل یا هلند، برآید؟)

■ **هلند حاسکت**

دوستم می‌گفت هلند خیلی راحت و ساده حریفانش را شکست می‌دهد. انگار بازیکنان این تیم در اکثر زمان بازی خیلی به خودشان فشار نمی‌آورند و انرژی خودشان را برای بازی بعدی نگه می‌دارند. به نظر که حق با این دوستم بود، به هر حال هلندی‌ها راحت‌تر از تصور اسلواکی را شکست دادند. اما مشکل من با هلند در این است که هلند ۲۰۱۰ «هلندی» بازی نمی‌کند. هلند را یا فوتبال شناسان یا توتال فوتبال می‌شناسیم، با فوتبالی که در آن همیشه هجوم مهم‌تر از دفاع بوده اما این تیم هلند این‌گونه نیست. لاله‌های نارنجی در این جام تیمی تهاجمی نیستند. تعجب کردید؟ آنها هر چهار بازی قبلی خودشان را برده‌اند و خوب گل زده‌اند این درست، اما هلندی‌ها فقط «موثر» و «حسابگرانه» بازی می‌کنند. در واقع برای اولین بار طی سال‌های اخیر است که می‌بینیم هلند تیمی دارد که در آن دو مدافع کناری (فن برونکهورست و فن درویل) چندان در هجومها شرکت نمی‌کنند و دو هافبک دفاعی (دی‌بانگ و فن بومل) هم بیشتر به فکر پوشش هستند تا بازیسازی. در واقع هلند فعلی در بخش تهاجمی فقط چهار بازیکن دارد (روبن در بال راست، کویت در سمت چپ، اشنادیر در نقش هافبک تهاجمی و فن پرسی در نقش مهاجم نوک) اما این چهار بازیکن همگی بازیکنان فوق‌العاده کارآمد و تاثیرگذار هستند و همکاری‌های میان آنها برای گل زدن به هر تیمی کافی است. هلند ۲۰۱۰ کمتر از تمام هلندی‌های سال‌های اخیر حمله می‌کند اما به نظر می‌رسد از همه هلندی‌های اخیر موفق‌تر است. شاید این هنر مربی است که می‌تواند تیمش را تا این حد هوشمند و سریع کند که کم ضربه بزند اما کاری ضربه بزند. هلند مقابل اسلواکی در بسیاری از لحظات بازی و به خصوص در نیمه دوم با ۱۰ بازیکن در نیمه زمین خودی (هشت یا ۹ بازیکن در حوالی محوطه ۱۸ قدم خود) تجمع می‌کرد و به حریف فضای چندانی نمی‌داد. این اصرار بر برگشت بازیکنان به نیمه خودی و ارائه فوتبال کاملاً محافظه‌کارانه- به خصوص پس از گل زدن به حریفان - در تمام بازی‌های هلند به چشم آمده است. شاید علت این مساله مطمئن نبودن مردان دفاعی، به خصوص دو مدافع میانی است، به هر حال هلند تا اینجا جام عالی نتیجه گرفته است اما قطعاً اگر فن مارویک مربی ریسک‌پذیری بود و به جای دو هافبک دفاعی از آقلای و بابل والیای تکنیکی و سریع بازی می‌گرفت، هلند چشم‌نوازتر و زیباتر بازی می‌کرد. (هرچند شاید هم شکست می‌خورد.)

■ **برزیل شجاع، برزیل محافظه‌کار**

مثل هلند، برزیل هم ساده‌تر از حد تصور خیلی را شکست داد، اما برزیل در مقابل حریف هم‌منطقه‌ای خود مقتدرتر از هلند مقابل اسلواکی نشان داد و بازی‌اش هم شاید زیباتر از تمام بازی‌های قبلی‌اش بود. چرا؟ شاید به دلیل یک اتفاق؛ آسیب‌دیدگی خفیف فلیپیه ملو که باعث شد دونگا بالاخره ریسک کند و ترکیب تیمش را از ۳- ۱- ۲- ۴ به ۴- ۲- ۴ تغییر دهد. فکر می‌کنید سیستم اول تهاجمی‌تر از سیستم دوم است؟ نه در مورد برزیل این‌طور نیست، برزیل دونگا با دو هافبک دفاعی صرف بازی خراب‌کن و نه بازیساز- بازی می‌کرد اما در این بازی به دنی آواز و رامیرز فرصت بازی داده شد و برزیل با سه هافبک رو به جلو و دو مهاجم و البته دو مدافع کناری هجومی‌اش، بدل به تیمی شد که زیبا بازی می‌کرد. شاید عجیب به نظر برسد که تنها تغییر یک بازیکن در یک سیستم تیمی را تهاجمی یا تدافعی کند اما این اتفاقی است که در برزیل افتاد. اگر دونگا در بازی مقابل هلند- که رامیرز در آن دواخواهر است- ملو را به ترکیب برگرداند یعنی باز محافظه‌کاری به سراغ او و تیمش آمده. اما اگر این کار را نکند و تیمش را همچنان تهاجمی بچیند، می‌توان او را ستایش کرد. برزیل مقابل هلند می‌تواند تهاجمی بازی کند و حتی اگر ببازد در افتخار ببازد چرا که زیبا بازی کرده است اما می‌تواند محافظه‌کارانه بازی کند و حتی اگر پیروز شود، مورد انتقاد قرار بگیرد که چرا «برزیلی» بازی نمی‌کند.

■ **شب بدون فوتبال**

اوه، امشب فوتبال نداریم، چه غم‌انگیز. این همان چیزی است که از آن می‌ترسیدیم و انتظار رسیدنشان را داشتیم؛ اغنیداد و بعد اجیر به ترک. روزهای فوتبال، فوتبال، فوتبال و فوتبال تمام شده، حالا فقط هشت بازی باقی مانده (یک‌هشتم کل بازی‌ها). ۱۰ روز و هشت بازی برای ما که در ۲۰ روز ۵۶ بازی دیده‌ام به قطعی می‌ماند. می‌دانم خیلی از شما مثل خود من به پایان جام فکر می‌کنید و شب‌های بعد از آن که با خودتان می‌گویید: «حالا چی کار کنیم؟» اما خوب فعلاً بهتر است از همین بازی‌های باقیمانده لذت ببریم و خیلی غم فردا را نخوریم.

طالع →



حلقه و میله



تیم محل با مدیریت سالار و حمایت مالی صغری خانوم و پس از هک کردن سایت فیفا به دست صدرا هکر، راهی مسابقات جام جهانی شد. در حال حاضر ما مسافران قاجاق نفتکنشی هستیم که به سمت جنوب اقیانوس هند در حرکت. من کشتی رو تمیز می‌کنم تا برنامه تمرینی تیم درست اجرا بشه. اینکه کی به مسابقات می‌رسیم رو کسی نمی‌دونه... آقا این کاپیتان شلیبایی کشتی چه آدم عجیبیه. دیشب من رو صدا کرد و تو کاپیتش و گفت می‌خواد به کم با هم اختلاط کنیم. اول به خرده ترسیده بودم. به هر حال سابقه خوبی از آخرین برخوردمون نداشتم. همون دیوار زبان می‌دوینن که چی میگم. ولی نیمه‌شه حرف کاپیتان رو زمین انداخت. نه اینکه نگران این باشم که خوراک کوسه‌ها یشم‌ها، نه به خدا؛ بیشتر نگران گل کوسه‌ها و اکوسیستم اقیانوس هندم. خوراک بدمزهای مثل من، اول نسل کوسه‌ها رو به خطر می‌اندازه، بعدش باقی‌مونده لاشام کل اقیانوس رو آلوده می‌کنه. اینا همه دغدغه است. حتماً تا حالا فهمیدین که من مختدر جهانشمولم؟ با آب دهان موهام رو به خرده حالت دادم و به کاپین کاپیتان رفتم؛ نرسیده نطقش شروع شد. لامصب با لهجه‌ای انگلیسی حرف می‌زنه که صغری جلوش سالاره. ولی از همون حرف‌های بی‌سروته کاپیتان فهمیدم که رابطه صمیمی من و این پسرده غنایی، یوانتگ براش جالبیه. احساس کردم با به لحن خاصی دنبال علایق مشترکمون می‌گرده؛ واسه همین به سرعت درازده شدم و گلاب به روتون کابین کاپیتان در اثر حالت تحمل من به گند کشیده شد و ورق برگشت. اشاره‌ای داشته باشم که این کاپیتان با اینکه زود جوش میاره ولی کلاً آدم اهل معامله‌ای به نظر میاد. سالار وقتی دید کاپیتان بین دوراهی پرتاب من به دریا، برای بازی با کوسه‌ها یا تبدیل کردن من به سیبل پرتاب نیزه گیر کرده، به سرعت فهمید که باز از دیوار زبان بالا رفتم و با شیرین‌کاری خاص خودش کاپیتان رو به راه سوچی ترغیب کرد. کاش این لغتی می‌تونست کاپیتان رو به کل از فاز بازی بیرون بیاره. نه که آدم قدرشناسی باشم‌ها، ولی این لطف باز به فلاکت و بدبختی‌هایی که الان به خاطر فکر ناخشی این پسرده بشور بهش منتهام، نمی‌چربه. تازه فقط شکل بازی عوض شده. الان من رو دورتا دور پنج‌پنج کردن گذاشتن وسط عرشه، دارن از بالا نیوی پرت می‌کنن. به عبارتی من نقش میله رو براشون بازی می‌کنم. می‌دوبین، اگه به کم فرز بازی درنیارم و بدمن رو جوری حالت ندم که حلقه نیوب دور تنم بیوفته، بدبختم. حساب کردم با هر پرتاب اونا من دارم ۴۳ کالری می‌سوزونم و اگر با همین سرعت پرتاب‌ها ادامه داشته باشه تا فرداشب ۱۸ شدم ۴۱۰ کیلو. تو این گیرودار، چی صغری خانوم که با فکر می‌کنم می‌بینم سرنوشت از این تللتز برای من نوشته نمیشه. حالا از همه بدتر عکس‌العمل خواهر بی‌شعورمه که جای دفاع از برادرش و تلاش برای رهایی من از این وضعیت، نشسته داره از حالت‌های مختلف من طرح بر می‌داره. خودش رو با لئوناردو داوینچی یکی کرده. به نظرم شماره بعدی گزارش تصویری بولتن کشتنی به واکنش‌های به‌یادماندنی من در زمان پرتاب لاسیتیک‌ها اختصاص پیدا کنه. تا اونجا که یادم میاد این اولین باریه که بنده مختصر میشم سوزه اول بولتن خانوم بشم. اگه روزی از این وضع آزاد بشم خودم می‌دونم چه بلای سرش بیارم. خدما برادرهای یوانتگ رو تو فیثال به هم برسونه. خدما هر چی می‌خواد به این پسرده بده. خدا همین جور سیاه نگهش داره که به وقت مثل سفیدها رنگ به رنگ نشه. اومد به چیزی در گوش کاپیتان گفت که در لحظه‌ای من رو خلاص کرد. الان کاپیتان رفته تو کابین با خودش به خرده همفکری کنه. هر چند هنوز طناب پیچ وسط عرشه لنگ در هوا موندم ولی همین که کالری بیشتری نمی‌سوزونم و موجبات تفریح و شادی سایرین رو فراهم نمی‌کنم، خودش نعمتیه. امیدوارم پیغامی که یوانتگ آورد، رابطهای بین من و باخت شبلی به برزیل برقرار نکنه.

انگلیسی

سال پنجم ■ شماره ۱۰۰۰ ■ چهارشنبه ۹ تیر ۱۳۸۹



۱۰ دلیل ناکامی کاپلو در تیم ملی انگلیس

مرغ یک پا داشت



مهدي ساعدي پارسري‌نيا

هر کس می‌داند به دلیل ضعف در یادگیری زبان هیچ‌گاه نتوانست ارتباط مناسبی با بازیکنان برقرار کند. شاید یک دلیل ناهماهنگی تاکتیکی در بازی سه‌شیرها به ناتوانی کاپلو در القای تاکتیک‌هایش مربوط می‌شد.

■ **کوله‌بار سگین**

وقتی استیو مک‌کلارن بار سفر به هلند را بست، سربایي رایسون فقید به او توصیه کرد بدون همراهی و کمک هموطن راهی کشور بیگانه شود. کاپلو در جهت مخالف حرکت کرد و کلی هموطن از کمک‌مربی و مشاور گرفته تا تدارکاتچی با خود به انگلیس برد. بالدینی، یک دست روی بازوی بازیکنان می‌گذاشت و دست دیگرش در خدمت مطبوعات جزیره بود. دن‌فابیو برای برقراری ارتباط بهتر با بازیکنان تیمش به فردی از جنس ستاره‌های تیمش نیاز داشت. او هر چند می‌دانست دوستان خوبی ندارد اما می‌توانست به بهترین نحو نقش یک پدر مهربان را ایفا کند.

■ **نقش رابط**

مربیان خارجی فوتبال جزیره، همان ابتدای کار یک کمک‌انگلیسی را به تیم‌شان می‌آوردن. ونگر، رایس را داشت. هوله از وجود «لی» استفاده می‌کرد. زولا و مورینیو، کلارک را برگزیدند و آنچلوتی، ویلکیس را پسندید. در سطح ملی کیفیت موضوع اندکی متفاوت است. اینجا وظایف کمک‌مربی خیلی محدود توجهات مختلف دو سال و نیم حضور خود در سمت دولی را موجه جلوه دهد اما بهتر از

به انتخاب کاپلو. تصاویر پخش‌شده در «یوتیوب» نشان داد ناهماهنگی در انتخاب دست راست تا چه

■ **خود کاپلو**

روحیات سرمربی ایتالیایی هم به اندازه کافی در ناکامی او تاثیر داشت. نگاه از بالای او شاید برای رام کردن بازیکنان سرکش تیم‌های کوچک کافی باشد اما در انگلیس، جایی که هر بازیکن یک مربی است، نمی‌توانید در طولانی‌مدت با امر و نهی موفق شوید. مرغ شما یک پا داشته باشد، بازیکنان به فرامین‌تان گوش نمی‌کنند و در نهایت از مربی تیمی با ۹ پیروزی از ۱۰ بازی مقدماتی، به بازنده بزرگ مرحله یک‌هشتم نهایی تبدیل می‌شوید.

■ **منلغه قرارداد**

کاپلو با طفره رفتن از زیر بار تعهد، طوری قرارداد امضا می‌کرد که همیشه راه فراری داشته باشد. همین چند ماه پیش تعلل او در مذاکره با اتحادیه فوتبال انگلیس باعث شد مورانی هوس نشاندن کاپلو بر جایگاه مورینیو را در سر بپرواند. وقتی قرارداد محکمسی امضا نکند، یعنی به آینده‌تان در جایگاه فعلی اطمینان ندارید و وقتی اطمینانی وجود ندارد، آرامش خاطر بی‌معنا به نظر می‌رسد. در این شرایط چطور به بازیکنان‌تان دستور تاکتیکی می‌دهید وقتی نمی‌دانید تا چه زمانی پیش آنها خواهید ماند؟

■ **آزمون آورنده‌ها**

کاپلو پس از مصدومیت و خط زدن جمعی از بازیکنان انگلیسی و تاثیرگذار انگلیس، سراغ قدیمی‌ها

رفت اما اسکولز به دلیل آنچه «فراخوان دیر هنگام» نامید از پوشیدن پیراهن سه‌شیرها انصراف داد. فقط کاراگر جواب مثبت داد. تیم ملی انگلیس جوانان مستعدی داشت با این حال دن فابیو در بین این جمعیت انبوه به اسکولز و کاراگر دل بسته بود، دلیل

را از خودش پیرسید؟

■ **حذف والکات**
خط زدن نام راقم هت تریک صعود در زاگرب درایت کاپلو را زیر سوال برد. او بارها والکات را یکی از مهم‌ترین بازیکنان تیمش نامیده بود، حتی آسیب‌دیدگی تتو در مقطعی از فصل گذشته هم دیدگاه سرمربی سابق میلان و رئال مادرید را تغییر نداد. چه شد که ناگهان شروع نامناسب، دلیل ترجیح دیگران بر ستاره ۲۱ ساله ارسال نام گرفت؟ کلوزه، مولر و پودولسکی، زندگان گل‌های آلمان در بازی‌های مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی ۲۰۱۰، شروع مصیبت‌باری داشتند اما یواخیم لو به اندازه کاپلو به مشاهدات دیدگان کم‌تجربه بشر اعتماد نکرد.

■ **نظامی‌گری**

کاپلو به سنت مربیان ایتالیایی در فاصله یکی دو روز مانده به هر بازی بازیکنان را در هتل حبس می‌کرد. او هفته‌ها اعضای تیم ملی انگلیس در اردوی رادگاهش «گورلینترا» را خسته کرد و اجازه ورود نامزد و همسران آنها را هم نمی‌داد. دور کردن حاشیه از کمپ تیم یک طرف، افسرده شدن بازیکنان به دلیل برقراری محیط نظامی طرف

دیگر. تحت نظر اریکسون ملی‌پوشان آزادی‌عمل بیشتری داشتند. چرا بازیکنان نباید از جام جهانی لذت ببرند؟ حسن رنچ‌طلبی دن‌فابیو کار دست تیم

پرامید ابتدای جام داد.

■ **انتقاد از جابولانی**

کاپلو هم‌صدا با بازیکنان معترض به چرخش ناگهانی جابولانی اعلام کرد هرگز تویی به این بدی ندیده است. حرف او درست اما بهتر نبود به عنوان بزرگ‌تر تیم نیمه پر لیوان را می‌دید و از جادوی تغییر کلمات بهره می‌برد اگر می‌گفت «از توب بهترین استفاده ممکن را ببرید» یا «با نقطه ضعف‌هایش کنار بیایید» بهتر نبود؟

■ **فاکتور تری**

کاپلو با خلع تری از سمت کاپیتانی تیم ملی انگلیس بهترین تصمیم ممکن را اتخاذ کرد اما در جریان جنجال به وجود آمده بین بازی دوم و سوم انگلیس در این جام مدیریت خوبی نداشت. او بازیکنان موافق با انتقادهای تری از خودش را تهدید کرد، حالی که می‌توانست به جای نشان دادن مشت آهنین به حرف‌های معترضان گوش فرا دهد و در آستانه بازی مرگ و زندگی مقابل اسلونیوی آتش به خرم تیم نزند، دن فابیو هیچ‌گاه نتوانست عادت قدیمی (ایستادن کنار خط و سرزنش کردن بازیکنانش) را ترک کند. طبیعی است در میان آن همه فریاد فرامین تاکتیکی گم شود. نتیجه؟ بعد از اریکسون اینس خارجی هم چیزی به فوتبال جزیره نیفزود.

منبع: **گاردین**

گزارش داوری □

◀◀ سعیده مهدي •

به‌جا مانده از یک‌هشتم نهایی

داوران، لکه ننگ جام جهانی ۲۰۱۰

جام جهانی ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی در حالی آغاز شد که داوری‌های بحث‌برانگیز در هر مسابقه، گویا به جزئی از صحبت‌های پس از بازی هواداران فوتبال تبدیل شده است. وی جام جهانی به مراحل حساس و روز شانزدهم خود رسید؛

روزی که تیم‌های مدعی آلمان و انگلیس در دیداری حساس و شبیه به فینال با پیشینه‌ای سیاسی به مصاف هم رفتند. خورخه لارویندا داور اروگوئه‌ای و دو هموطنش به عنوان کمک مسوولیت قضاوت این مسابقه دشوار را بر عهده داشتند اما نمی‌دانستند اتفاقات بازی شاید برای همیشه به قضاوت‌شان پایان دهد. در ایین دیدار فرانک لمپارد هافبک انگلیسی‌ها در دقایق پایانی نیمه اول ضربه‌ای را به دروازه آلمان زد که پس از برخورد به دیرک افقی از خط عبور کرد اما مانوئل نویر دروازه‌بان زیر آلمان‌ها توپ را از درون دروازه بیرون کشید تا این صحنه از چشم داور و کمک او مائوریسیو اسپینوزا دور بماند و گل پذیرفته نشود. در نهایت این مسابقه با شکست و حذف انگلیس از گردونه رقابت‌های جام جهانی با حرف و حدیث‌های فراوان به اتمام رسید، اما این تازه اول ماجرا برای فابیو کاپلو سرمربی تیم ملی انگلیس و مطبوعات جنجالی این کشور است که همواره به دنبال حاشیه و سوزه‌های داغ برای پر کردن صفحات خود هستند.

روزنامه پرتیراژ سان در این باره نوشت: لاریوندای اروگوئه‌ای و دستیارانش کور بودند که ضربه لمپارد را که از خط عبور کرده بود، ندیدند. دلی‌تلگراف هم در صفحه اول خود این‌گونه نوشت: کمک‌داور اروگوئه‌ای گل را نپذیرفت، آیا این انتقام

منبع: **spox.com**